



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی اثر احترام و اعتماد متقابل بین معلم و دانش آموز در پیشبرد اهداف درسی

زهرا رجبی قیداری^۱، لیلا محمدی^۲

۱- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس الزهرا (س) زنجان

۲- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس الزهرا (س) زنجان

Zahraa.rajabii2000@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر احترام و اعتماد متقابل بین معلم و دانش آموز در پیشبرد اهداف درسی انجام شد. با توجه به اینکه معلم و دانش آموز دو رکن اساسی در نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شوند اعتماد میان معلم و شاگرد تأثیر بسزایی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. در مدارس، جنبه‌های مقدماتی اعتماد یعنی کرامت، اعتبار، شایستگی، صداقت و صراحت، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا مفهوم یکپارچه‌ای از اعتماد را ایجاد نمایند. امروزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به‌عنوان یک شاخص مهم برای ارزیابی نظام‌های آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، پیشرفت تحصیلی همواره برای معلمان، دانش آموزان، والدین، نظریه‌پردازان، و محققان تربیتی نیز حائز اهمیت بوده است. این پژوهش به شیوه مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد. نتایج نشان داد اگر معلمی بخواهد در دانش آموزان نفوذ و تأثیرگذاری داشته باشد باید بتواند اعتماد آنان را جلب کند و در راه رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده آنان را راهنمایی کند و در کنار روابط رسمی و مقررات صوری، محیط مساعدی را برای یادگیری و همفکری و همکاری دانش آموزان فراهم آورد.

کلمات کلیدی: معلم، دانش آموز، اهداف درسی، تدریس، اعتماد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

اعتماد در همه جا وجود دارد اما کمتر به آن توجه می‌شود و تنها زمانی که از بین می‌رود و یا آسیب می‌بیند مورد توجه قرار می‌گیرد. اعتماد یک عامل اساسی، در فعالیت سازمان‌هاست و برای برقراری ارتباط و همکاری اثربخش لازم است و مبنایی است برای روابط پربارتر که می‌تواند پیچیدگی‌های سازمانی را کاهش داده و بهتر، اقتصادی‌تر و سریع‌تر از هر ابزار دیگری معاملات و مذاکرات سازمانی را تسهیل کند و ارتباط مؤثر، همکاری و سازگاری را که زیربنای روابط پربار در سازمان‌ها می‌باشند ارتقا بخشد. مطالعه تجربی در خصوص اعتماد اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰، به منظور حل مشکل رشد فزاینده بدگمانی در جنگ سرد، به عنوان عاملی کلیدی در بهبود محیط باز و سالم انجام گرفت. مروری بر ادبیات موضوع نشان می‌دهد که اعتماد دارای جنبه‌های چندگانه است. در مدارس، جنبه‌های مقدماتی اعتماد یعنی کرامت، اعتبار، شایستگی، صداقت و صراحت، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا مفهوم یکپارچه‌ای از اعتماد را ایجاد نمایند. معلمان با اعتماد به اولیا، در واقع به دانش آموزان نیز اعتماد می‌کنند و بالعکس. در مدارس اعتماد به دانش آموزان و والدین یکی از ابعاد اعتماد است. تحقیقات نشان داده که رفتار مدیر و معلم بر کیفیت روابط اعتماد آمیز در مدرسه اثرات متفاوتی می‌گذارد. رهبری حمایتی یک مدیر تا حدی اعتماد معلمان نسبت به مدیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما موجب ایجاد اعتماد میان اعضای هیئت آموزشی نمی‌شود. تحقیقات فراوانی بر اهمیت اعتماد، نه تنها به دلیل تسهیل وظایف مدرسه، بلکه به عنوان یکی از عوامل افزایش پیشرفت تحصیلی، تأکید می‌کنند. یکی از اساسی‌ترین مسائلی که جوامع امروزی با آن مواجه‌اند، عدم اعتماد اجتماعی و ایجاد فرهنگ اعتماد است. اعتماد یکی از ارکان روابط اجتماعی در همه سطوح جامعه است، چنانکه دولت برای اجرای برنامه‌های اصلاحی خود، کارفرما برای بالا بردن تولید محصولاتش و مدیر اداره برای موفقیت در کارش نیازمند جلب اعتماد افرادی هستند که تحت نظارت آن‌ها فعالیت می‌کنند. در هر خانواده والدین و فرزندان تلاش می‌کنند که اعتماد همدیگر را جلب کنند. در مدرسه معلمان سعی دارند که دانش آموزان، گفتار و رفتار آنان را بپذیرند و به صحت گفته‌هایشان اعتماد کنند. در محیطی که اعتماد وجود داشته باشد، تعارضات و برخوردها کاهش یافته و بردباری افراد نسبت به یکدیگر بیشتر می‌شود. بنابراین، اعتماد، فرآیند تبدیل پیوندهای یک‌سویه به چند سویه است که در آن همبستگی و دل‌بستگی میان افراد افزایش می‌یابد و راه را برای خودکنترلی هموار می‌گرداند. در چنین فضایی نظارت اجتماعی، بیشتر بر اساس احساس شرمساری و مقصر بودن است که با سرشت انسان بیشتر سازگاری دارد، تا با سایر ابزارهای بیرونی. همچنین اعتماد داشتن یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی گروه‌ها و جوامع است. اعتماد روان‌کننده چرخ‌دنده‌های روابط اجتماعی است و بدون آن، تصور هرگونه تعامل که اساس زندگی اجتماعی است، امکان‌ناپذیر است. مدرسه یکی از مهم‌ترین کانون‌های جامعه‌پذیری است که هدف اصلی آن انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به دانش آموزان و همراه کردن آنان با ارزش‌های جامعه است. یکی از عواملی که زمینه انتقال بهتر ارزش‌ها و هنجارها را فراهم می‌آورد، اعتماد میان دانش آموزان و معلمان است. اگر معلمی بخواهد در دانش آموزان نفوذ و تأثیرگذاری داشته باشد باید بتواند اعتماد آنان را جلب کند و در راه رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده آنان را راهنمایی نماید و در کنار روابط رسمی و مقررات صوری، محیط مساعدی را برای یادگیری و همفکری و همکاری دانش آموزان فراهم آورد. اعتماد در مدرسه اساس اثربخش بودن مدرسه است. همچنین کاهش اعتماد اجتماعی باعث می‌شود به‌طور روزافزونی از فعالیت و مشارکت دانش آموزان در ابعاد مختلف جامعه کاسته شود و به سمت طرد بیشتر آن‌ها از جامعه منتهی می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پیشینه پژوهش

اکثر پژوهش‌هایی که در حوزه اعتماد و مدرسه صورت گرفته درباره اعتماد معلمان با کادر اداری به دانش آموزان با والدین آن‌ها بوده است و از جمله مواردی که مورد غفلت واقع شده و نیازمند مطالعه و پژوهش است، مسئله اعتماد دانش آموزان به معلمان است. با وجود اینکه اعتماد دانش آموزان به معلمان فرایند یادگیری را تسهیل می‌کند، اما روشن نیست که کدام یک از ویژگی‌های ساختاری، فرهنگی و فردی معلمان و مدرسه می‌تواند اعتماد دانش آموزان را افزایش دهد، مثلاً مشخص نیست که چه نوع معلمی و چه نوع ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با دانش آموزان، اعتماد آن‌ها را افزایش می‌دهد. آیا احتمال دارد روش‌های تدریس خاصی اعتماد دانش آموزان را افزایش دهد یا خیر. این‌ها پرسش‌هایی‌اند که هنوز در این حوزه بی‌پاسخ مانده است. گودارد و دیگران (۲۰۰۱) با بررسی رابطه میان اعتماد معلمان به دانش آموزان و والدین و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان به این نتیجه رسیدند که اعتمادسازی از طریق تقویت بهبود روابط مؤثر میان خانواده‌ها و مدارس، مدرسه را به محیطی مناسب برای یادگیری دانش آموزان مبدل می‌سازد. وقتی معلمان اعتقاد داشته باشند که دانش آموزان مستعد و قابل اعتمادند، محیطی را به وجود می‌آورند که یادگیری دانش آموزان را تسهیل می‌کند و وقتی که دانش آموزان به معلمان اعتماد داشته باشند به احتمال زیاد در یادگیری‌های جدید خطرپذیری می‌شوند. بدون وجود اعتماد، دانش آموزان انواع حمایت‌های اجتماعی را از دست می‌دهند. توان و هسن (۲۰۰۶) در بررسی عوامل مؤثر بر دریافت دانش آموزان از میزان پذیرش معلمان، بر اعتمادپذیری معلمان تأکید کرده‌اند. از نظر آن‌ها در محیط‌های آموزشی، میزان اعتماد دانش آموزان به معلمان نشان می‌دهد که معلم تا چه حد قابل اعتماد است. از نظر دانش آموزان، معلمی قابل اعتماد است که دلایل موجهی برای نمره قبولی ارائه دهد، با آن‌ها منصفانه رفتار کند، بازخوردهای سریعی از خود نشان دهد و هرگز دانش آموزان را شرم‌نده نکرده یا با آن‌ها بدزبانی نکند. در صورتی که دانش آموزان معلمان خود را قابل اعتماد ندانند، احتمال پذیرش معلمان نزد آن‌ها کاهش می‌یابد.

بدون شک در دنیای پیشرفته امروزی یکی از علائم موفقیت فرد، پیشرفت تحصیلی است که بدون آن توسعه و ترقی هیچ کشوری امکان‌پذیر نخواهد بود. ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علوم و دانش و فناوری آن کشور دارد و پیشرفت علمی نیز حاصل نمی‌شود مگر اینکه افراد خلاق تربیت شده باشند، پیشرفت تحصیلی ضمن اینکه در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می‌شود. دانش آموزان و دانشجویان که از موقعیت‌های تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده احترام به آنان می‌نگرند. در جامعه باروحيه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و در کنار این‌ها از هزینه‌های گزافی که از افت تحصیلی بر آموزش و پرورش تحمیل می‌شود، کاسته خواهند شد. دستیابی به بهره‌وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می‌توان اثرگذارترین عامل در توسعه کشورها دانست. تجارب کشورهای پیشرفته‌ای چون ژاپن در زمینه توسعه همه‌جانبه نیز حکایت از سرمایه‌گذاری بر روی منابع آموزشی و انسانی دارد. در راستای دستیابی به این اهداف بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه‌های آموزشی است. در حالی که امروزه افت تحصیلی یکی از نگرانی‌های خانواده‌ها و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات موردعلاقه صاحب‌نظران علوم تربیتی یافتن شرایط و امکانات لازم و مؤثر در جهت تحصیلی موفق و پیشرفت تحصیلی است. اما عدم موفقیت در تحصیل زمینه ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزش است. محققین عوامل مختلفی را در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دخیل دانسته‌اند. اما با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی‌توان به‌عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود. زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به‌طور اخص در یک جامعه بر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شکست یا موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارند. منابع موجود نشان می‌دهد که آموزش به‌طور کلی تحت تأثیر پنج عامل فراگیر آموزشگر، برنامه، تجهیزات و محیط آموزشی است که هر یک از عوامل مذکور دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند در پیشرفت تحصیلی و یادگیری تأثیرات متفاوتی داشته باشند (سیف، ۱۳۶۸).

اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به‌عنوان یک شاخص مهم برای ارزیابی نظام‌های آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، پیشرفت تحصیلی همواره برای معلمان، دانش آموزان، والدین، نظریه‌پردازان، و محققان تربیتی نیز حائز اهمیت بوده است. برای مثال، پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان یکی از مهم‌ترین ملاک‌های ارزیابی عملکرد معلمان محسوب می‌شود. برای دانش آموزان نیز معدل تحصیلی معرف توانایی‌های علمی آن‌ها برای ورود به دنیای کار و اشتغال و مقاطع تحصیلی بالاتر است. شاید به علت همین اهمیت باشد که نظریه‌پردازان تربیتی بسیاری از پژوهش‌های خود را بر شناخت عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی متمرکز کرده‌اند. از جمله عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی می‌توان از عوامل نگرش می‌توان یاد کرد. به‌طور کلی در کشور ما افت تحصیلی یکی از مشکلات کنونی نظام آموزش و پرورش است که همه‌ساله ده‌ها میلیارد ریال بودجه کشور را به هدر می‌دهد. یافته‌های آماری از مدارس کشور نشان‌دهنده آن است که افت تحصیلی به‌صورت مردودی، ترک تحصیلی زودرس و یا اشکال دیگر آن مقادیر زیادی از منابع مالی ملی و استعدادهای انسانی جامعه را تلف می‌کند. بنابراین عدم توجه به علل افت تحصیلی و پیشگیری از آن نه تنها خسارت اقتصادی زیادی را به جامعه و کشور وارد می‌کند، بلکه باعث افزایش میزان بیکاری‌ها در آینده شده و سرمایه فرهنگی نیز از بین می‌رود به نظر می‌رسد که بهترین راه شناسایی عوامل افت تحصیل برای جلوگیری از بروز آن است. بنابراین در این پژوهش بر آنیم تا به بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی بپردازیم. مورد پیشرفت تحصیلی تعاریف گوناگونی وجود دارد که به شرح آن می‌پردازیم: پیشرفت تحصیلی عبارت است از موفقیت دانش آموزان در یک یا چند موضوع درسی (مثل: درک، فهم خواندن یا محاسبه عددی)، چنین پیشرفت‌هایی توسط آزمون‌های میزان شده تحصیلی اندازه‌گیری می‌شود. همچنین این اصطلاح بر پیشرفت فرد در کلاس، آن‌طور که در کار مدرسه ارزیابی می‌شود دلالت دارد (ماهر، ۱۳۷۶، به نقل از دودانگه، ۱۳۷۶).

پیشرفت تحصیلی به جلوه‌ای (نمایی) از جایگاه تحصیلی دانش آموزان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره‌ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره‌ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره‌های مختلف باشد. برای پیشرفت تحصیلی می‌توان ملاک‌های گوناگون را در نظر گرفت که مشهورترین آن‌ها میانگین نمرات کلای می‌باشد. (پالسون، ۱۹۹۴، به نقل از مهرافروز، ۱۳۸۷) پیشرفت تحصیلی عبارت است از مسئول نهایی فرآیند یادگیری فعال که با کمک آموزش فعالیت‌های تربیتی انجام می‌گیرد (گیج و برلاینر، ۱۳۷۴؛ به نقل از مهدیان، ۱۳۸۵). همچنین، سرعتی که دانش آموز در تکمیل پایه‌ها و درجات گوناگون دارد و برحسب مقدار پیش افتادگی و سرعت یا عقب‌ماندگی وی اندازه‌گیری می‌شود. (بیابانگرد، ۱۳۷۸)

تعامل و ارتباط معلمان با دانش آموزان

این اخلاق دربرگیرنده مؤلفه‌هایی از قبیل حفظ اسرار دانش آموزان، پرهیز از تحقیر و تمسخر دانش آموزان، احترام به شخصیت و کرامت انسانی دانش آموزان، راستگویی و صداقت با دانش آموزان، احترام به فرهنگ، زبان، آداب و اعتقادات دانش آموزان و پرهیز از تحقیر و تمسخر آنان، برقراری ارتباط مناسب با دانش آموزان، تغافل و چشم‌پوشی از خطاهای دانش آموزان (گذشت) اعتماد به دانش آموزان و واگذاری بخشی از مسئولیت کلاس با توجه به توانمندی به آنان، عدم استفاده از تنبیه بدنی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

و الفاظ زشت نسبت به دانش آموزان، عدم تبعیض بین دانش آموزان، شرکت دادن دانش آموزان در فرآیند تدریس، دوری از توییح و سرزنش زیاد دانش آموزان توسط معلمان، اهمیت دادن به نظرات آنان، توجه به تفاوت‌های فردی و علمی و شناسایی استعدادهاى دانش آموزان و تلاش در جهت تقویت آنان می‌باشد.

حال معلمان از خود می‌پرسند آیا باید به دانش آموزان پرداخت و به آنها توجه کرد و عشق ورزید یا باید سختگیر بود و انتظارات زیادی از آنها داشت؟ باید به دانش آموزان نزدیک شد و یا باید از آنها فاصله گرفت؟ حد و مرز روابط با دانش آموزان را چیست و تا چه حد می‌توان به آنها نزدیک شد؟ آیا تنبیه راه حلی منطقی برای اطاعت پذیری دانش آموزان در کلاس درس است یا باید از تنبیه در هر حالی پرهیز کرد؟ آیا استفاده افراطی از روش پاداش و تنبیه، تاثیری در انگیزش دانش آموزان دارد یا خیر؟ رابطه معلم و دانش آموز چه تاثیری در نگرش و انگیزش دانش آموزان در کلاس درس دارد؟ آیا رابطه دوستانه به خودی خود می‌تواند عاملی برای جذب دانش آموزان و ایجاد علاقه در آنها نسبت به موضوعات علمی باشد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که ذهن هر معلمی را برای انجام هرچه بهتر وظیفه‌اش در کلاس درس درگیر می‌کند. در راه رسیدن به پاسخ این سؤالات و پیدا کردن راه حل منطقی برای هر کدام از آنها باید تفاوت‌هایی را هم در نظر گرفت، دانش آموزان از لحاظ توانایی‌های ذهنی، روش‌های آموختن، سبک و سرعت یادگیری، آمادگی و علاقه و انگیزش نسبت به کسب دانش و انجام فعالیت‌های تحصیلی با هم تفاوت دارند. نتایج پژوهش‌های انجام شده در این باره نیز بر این حقیقت تاکید کرد هاند که توجه به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان از سوی معلمان، در بهبود کیفیت یادگیری و افزایش سطح پیشرفت تحصیلی آنان بسیار تاثیرگذار است (تلخ آبی، ۱۳۸۹: ۴۱).

در حالی که معلمان می‌توانند مجموعه‌ای از دانش و مهارت را در تدریس به کار ببندند، برقراری ارتباط خوب و مؤثر با دانش آموزان با توجه به ویژگی‌های شخصیتی آنها از عناصر اصلی در تاثیرگذاری بیشتر بر دانش آموزان و پیشبرد اهداف کلاس درس است. از طرفی ویژگی‌های شخصیتی معلمان است که چگونگی ارتباط با دانش آموزان را مشخص می‌کند و اگر این رابطه نباشد، آموزش معنی پیدا نمی‌کند. واضح است که چگونگی کیفیت رابطه معلم و دانش آموز تا حدود زیادی روی انگیزش و یادگیری دانش آموز تأثیر دارد، به عبارت دیگر می‌توان گفت جنبه‌های مؤثر روابط میان فردی اساسی در کلاس درس برای یادگیری دانش آموزان از جنبه‌های فهم ذهنی کم اهمیت‌تر نیست.

در پژوهش‌های فراوانی به موضوع رابطه بین معلم و دانش آموز پرداخته شده و از آنجایی که معلم وظیفه هدایت و رهبری کلاس را بر عهده دارد با ایجاد رابطه درست، منطقی و متکی به ویژگی‌های شخصیتی دانش آموزان می‌تواند انگیزش لازم را در دانش آموزان برای یادگیری ایجاد کند، چرا که انگیزش هم هدف است و هم وسیله، هدف از این حیث که ما از دانش آموزان می‌خواهیم نسبت به موضوعات مختلف علمی علاقه کسب کنند و وسیله از این جهت که انگیزش به صورت یک پیش نیاز برای یادگیری به حساب می‌آید و تأثیر آن بر یادگیری کامل آشکار است (بهادری خسروشاهی، ۱۳۹۶: ۲۲).

یادگیری دانش آموزان به میزان بسیار بالایی به حضور دانش آموزان در کلاس درس و رویارویی مستمر و منظم با موضوعات درسی و معلم وابسته است، به همین علت نیز معلم باید بتواند شور و اشتیاق لازم را برای یادگیری هر چه بهتر و بیشتر در دانش آموزان ایجاد کند. از طرفی اشتیاق معلمان و نحوه ارتباط صحیح و شایسته آنها با دانش آموزان به شور و شوق در دانش آموزان تبدیل شده و از معلم به دانش آموز انتقال می‌یابد. دانش آموزانی که معلم آنها داوطلبانه درس می‌دهد انگیزش بیشتری به درس پیدا می‌کنند تا دانش آموزانی که معلمان آنها برای دریافت پول تدریس می‌کنند. به عبارت دیگر معلم و نوع رابطه او با دانش آموزان الگویی است که متغیرهای روانشناختی از طریق آنها در دانش آموزان درونی می‌گردد. با این توضیح



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معلمان در همان ابتدای کار دریافت می‌کنند که یکی از مهمترین عوامل برای پیشبرد اهداف آموزشی نحوه برقراری ارتباط با دانش آموزان است (براهنی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

غالباً معلمان تازه کار نیز در مواجهه با معلمان با نگرش قدیمیتر با این نگاه مواجه می‌شوند که برای احترام متقابل بین دانش آموز و معلم دانش آموزان باید از معلم بترسند و ایجاد فضایی خشک و سختگیرانه را عاملی مؤثر در پیشبرد اهداف درسی می‌دانستند و در خوش بینانه ترین حالت رابطه معلم و دانش آموز به گفت و گویی بین آن‌ها خلاصه می‌شد، آن هم فقط منحصر به کلاس درس، اما امروزه محققین عرصه تعلیم و تربیت در باب انگیزش به این نتیجه رسیده‌اند که صرفاً حتی با صحبت کردن هم نمی‌توان رابطه موثری با دانش آموزان داشت. از طرفی دیگر معلم برای ایجاد رابطه مؤثر با دانش آموزان نمی‌تواند زمان معینی از کلاس را در نظر بگیرد، بلکه تلاش او برای رابطه‌ای مؤثر باید در تمام زمان تدریس و حتی خارج از آن باشد، چرا که آموزش بدون ایجاد رابطه‌ای مداوم و مستمر معنای چندانی نخواهد داشت (امینی، ۱۳۷۷: ۱۴۲).

روابط انسانی یکی از عوامل مهم در تحقق هدف آموزش و پرورش و موفقیت مدیریت آموزشگاهی است، به علت صاف و زلال بودن دانش آموزان وانعطاف پذیری آن‌ها روابط انسانی در روحیات و شکل گیری شخصیت آن‌ها بسیار تأثیر دارد به همین علت معلمان، مدیران و اولیا باید به روابط انسانی در مدارس بسیار اهمیت دهند، معلمان و مدیران تأثیر بسیاری بر رفتار دانش آموزان دارند که بدون تأثیر مثبت از طریق رفتار خود بر متربیان نمی‌توانند در آموزش و پرورش آنها موفق باشند. در بعضی از مدارس تنها بر شیوه خواندن و نوشتن دانش آموزان تأکید می‌کنند، در حالی که این برای تعلیم و تربیت پویا، زیرساختی کافی نمی‌باشد، بلکه باید در مقاطع مختلف تحصیلی، به تقویت و پایه گذاری فکری دانش آموزان پرداخته شود که در آینده بتوانیم جامعه‌ای مملو از نیروی انسانی توانمند و دارای افکار پرورده داشته باشیم و با توجه به اینکه آموزش و پرورش تنها نهادی می‌باشد که سهم بیشتری از هر نهاد دیگری در شکل دادن به افکار و خلقیت نیروی انسانی را دارد؛ به نوعی که آموزش و پرورش همانند تکه مومی می‌تواند به هر نحوی که اراده کند به افعال و افکار دانش آموزان شکل دهد، باید به این موضوع بیشترین اهتمام را داشت (امامی پور، ۱۳۸۲: ۹۶).

از طرفی هم حاکمیت جو بسته و یا جو مسموم که موجبات ترس، بی اعتمادی و عدم بیان نیازها و مشکلات را به وجود می‌آورد سبب انسداد راه‌های برقراری ارتباط و مهار استعدادها و خلاقیت می‌شود و بالعکس. در محیطی که ارتباط سالم وجود دارد و افراد احساس آزادی منطقی، اعتماد، مالکیت و هویت می‌کنند. در کلاس درس غالباً مجموعه عوامل متعددی دست به دست هم می‌دهند و جو روانی را پدید می‌آورند. اگر دو کلاس یا دو مدرسه مجاور به هم در یک مقطع تحصیلی که از نظر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کامل شبیه به هم هستند را در نظر بگیریم. متوجه می‌شویم که جو حاکم بر آن‌ها با هم فرق دارد. در این رابطه گر چه وضعیت فیزیکی کلاس درس و وضعیت روحی فراگیران به نوبه خود در شکل گیری جو روانی کلاس مؤثر هستند. اما می‌توان گفت که نقش معلم و رابطه او با دانش آموز در به وجود آوردن چنین فضایی به مراتب مهم‌تر و تعیین کننده تر است.

اهمیت اعتماد دانش آموزان به معلم

اعتماد یک عامل حیاتی و ضروری برای موفقیت‌های فردی و سازمانی است. اعتماد باعث افزایش ثبات و قابلیت پیش بینی آینده می‌شود. اعتمادمقدمه ارتباط بادیگران و نگرش نسبت به خوددنیای اطراف است که بر رفتار و اعمال ما تأثیر می‌گذارد. ریشه این نگرش نظریه اریکسون است که بیان می‌کند اعتماد از تجربیات اولیه دوران کودکی حاصل می‌شود و جزء ارکان ضروری شکل گیری هر گونه رابطه‌ای است. برای تداوم یک رابطه باید به گونه‌ای قابل اعتماد عمل کرد یا رفتاری قابل اعتماد داشت.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این حکم، روابط دو نفره، فامیلی، ازدواج و هر گونه رابطه بین فردی را در بر می‌گیرد. اعتماد یکی از مهم‌ترین کیفیت‌ها در هر رابطه نزدیک و صمیمی است و بیشتر در کنار تعهد و عشق به عنوان هسته مرکزی رابطه ایده آل در نظر گرفته می‌شود. پارسونز اعتماد را مدل درونی شده ارزش‌ها و هنجارها و تعهدات می‌داند که قدرت پیش بینی در فعالیتهای روزمره را افزایش می‌دهد.

با توجه به اینکه معلم و دانش آموز دو رکن اساسی در نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شوند اعتماد میان معلم و شاگرد تأثیر بسزایی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد، اولاً اگر اعتماد باشد باعث پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می‌شود، عملکرد تحصیلی ارتقا می‌یابد، میزان دل بستگی دانش آموزان به محیط مدرسه افزایش پیدا می‌کند، باعث افزایش سازگاری با محیط می‌شود، دانش آموزانی که به معلم اعتماد دارند در زمان‌هایی که دچار فشار روحی هستند بهتر می‌توانند بر این فشارها غلبه کنند، اما اگر بین این دو بی اعتمادی باشد باعث افت تحصیلی، مدرسه گریزی، عدم ناسازگاری با محیط مدرسه و عدم دل بستگی به مدرسه می‌شود.

ترک تحصیل، تکرار پایه، افت کیفی و اخراج از مدرسه از نمونه‌های بارز شکست تحصیلی هستند، این مساله با توجه به شرایط مختلف اجتماعی، جمعیتی، خانوادگی، آموزشی و چارچوب نظام‌های آموزشی از دیدگاه‌های متفاوت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. آنچه مسلم به نظر می‌رسد برای حل این معضل باید علل و عوامل آن شناسایی شوند، مثلاً مشکلات خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و مسایلی در چارچوب نظام‌های آموزشی همچون عدم اعتماد در بین معلم و شاگرد، بین معلمان و مسئولان مدارس، پایین بودن دل بستگی بچه‌ها به مدرسه، علاقه به درس، این‌ها عوامل مهمی هستند که ما را ترغیب می‌کنند اعتماد را بررسی کنیم. باتوجه به اینکه بی اعتمادی سد راه گسترش، روابط اجتماعی است، در شرایط بی اعتمادی اضطراب و ناامنی افزایش می‌یابد، سلامت جسمی و روانی دانش آموزان دچار اختلال می‌شود، انرژی لازم برای یادگیری و تبادل افکار و عقاید از بین می‌رود، در حالی که اعتماد می‌تواند رابطه بین دانش آموزان و معلم را تسهیل کند، ترس دانش آموز را کاهش دهد و در کنار معلم احساس امنیت کند، محیطی مناسب برای یادگیری دانش آموز شکل بگیرد و در نتیجه یادگیری بیشتر می‌شود.

مدرسه یکی از مهمترین کانون‌های جامعه پذیری است که هدف اصلی آن انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به دانش آموزان و همراه کردن آنان با ارزش‌های جامعه است. یکی از عواملی که زمینه انتقال بهتر ارزش‌ها و هنجارها را فراهم می‌آورد، اعتماد میان دانش آموزان و معلمان است. اگر معلمی بخواهد در دانش آموزان نفوذ و تأثیرگذاری داشته باشد باید بتواند اعتماد آنان را جلب کند و در راه رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده آنان را راهنمایی نماید و در کنار روابط رسمی و مقررات صوری، محیطی مساعد را برای یادگیری و همفکری و همکاری و دانش آموزان فراهم آورد. اعتماد در مدرسه اساس اثربخش بودن مدرسه است و امکان یادگیری و همکاری مؤثر را میان دانش آموزان و معلمان فراهم می‌آورد. این اعتماد می‌تواند زمینه ساز اعتماد تعمیم یافته شود، اعتمادی که فراتر از اعتماد میان فردی است و آن را نیز در بر می‌گیرد. اعتماد تعمیم یافته و حسن ظن به تمام افراد جامعه در روابط اجتماعی است که پیامد آن گسترش روابط برون گروهی و نگرش مثبت به آن‌ها، فراسوی وابستگی‌های قومی است. در محیط مدرسه بیاعتمادی سد راه گسترش روابط اجتماعی زایا و مولد است. در شرایط بی اعتمادی، اضطراب و ناامنی افزایش می‌یابد، سلامت جسمی و روانی دانش آموزان دچار اختلال می‌شود، انرژی لازم برای یادگیری و تبادل افکار و عقاید صرف محافظت از خود می‌شود، طرد و از خودبیگانگی میان دانش آموزان و معلمان افزایش می‌یابد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نقش تعامل بین معلم و دانش آموز در پیشرفت تحصیلی

رابطه مثبت معلم با دانش آموزان و همچنین دانش آموزان با هم، بر رابطه عاطفی و اجتماعی کلاس، ایجاد انگیزه یادگیری، دل بستگی به مدرسه، همکاری در فعالیت‌های کلاسی، تلاش بسیار در مواجهه با مشکلات کمک و حمایت دوستانه، درک رفتار میان فردی، ایجاد مسئولیت و آزادی در کارهای دانش آموز می‌تواند تأثیرگذار باشد. به بیانی دیگر، دانش آموزانی که با معلمان خود رابطه گرم و صمیمی دارند از اعتماد به نفس بالا، علاقه به معلم خود، انگیزه بیشتر برای یادگیری نگرش مثبت نسبت به مدرسه و لذت بردن از پذیرش همسالان همکلاسی‌های خود برخوردار هستند. در نهایت اشاره کرده‌اند که روابط مثبت معلم - دانش آموز ممکن است از کودکان در مقابل محیط‌های نامطلوب خانه از جمله روابط منفی و نامناسب والدین - کودک محافظت کند. در واقع از مهم‌ترین مهارت‌ها و مسئولیت‌های معلم برقراری ارتباط عاطفی با متعلمین می‌باشد، ارتباط و تعامل بین معلم و دانش آموز در تمام لحظات حضور معلم در کلاس و مدرسه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم دائماً جاری است و نحوه برقراری این ارتباط تأثیرات مهم و قابل توجهی بر عملکرد معلم و دانش آموز خواهد داشت. روابط معلم و دانش آموز بخش اصلی آموزش و یادگیری از دید آندرزپوسکی و دیویس موفق محسوب می‌شود. بدیهی است که دانش آموزان در بسیاری از محیط‌های یادگیری به معلمان خود نیازمندند. به عبارت روشن‌تر، معلمان برای دانش آموزان در حکم پایگاهی امن در برابر مشکلات و راهنمایی برای کشف و تجربه جهان پیرامون هستند.

فرایند کلاس درس می‌تواند برداشتن آموزان با مشکلات رفتاری اثر تعدیل کنندگی داشته باشد. گاهی در کلاسهای درس دانش آموزانی با مشکلات خاص هم به چشم می‌خورند که نوع رابطه معلم و همکلاسی‌ها با این دانش آموزان می‌تواند بسیار مؤثر باشد. به بیان دیگر دانش آموزانی که روابط نامناسب و درگیری با معلمان خود دارند دچار مشکلاتی مانند ترک تحصیل، افت تحصیلی، مردودی، عدم پذیرش از سوی همسالان و افزایش رفتارهای نامناسب می‌شوند. تعاملات آموزشی و عاطفی معلم و همکلاسی‌ها در دانش آموزان دارای مشکلات رفتاری، سبب پیشرفت تحصیلی بالا و کاهش مشکلات رفتاری می‌شود. معمولاً در برابر دانش آموزانی با مشکلات رفتاری، معلمانی با خودکارآمدی بالا موفق‌تر عمل می‌کنند. معلمان با کارآمدی بالا به جای کنترل دانش آموزان از راهبردهای مدیریتی به منزله رفتار مثبت با توجه به مشکلات رفتاری دانش آموزان از شیوه‌های پیشگیری به جای ترمیم و درمان مشکلات استفاده می‌کنند.

می‌توان دریافت زمانی که معلمان به مواردی چون علاقه و ابتکار دانش آموزان، فرصت‌های مناسب برای به چالش کشیدن یادگیری آن‌ها و ایجاد روابط اجتماعی مثبت، نظارت بر کل کلاس درس، تأیید بر نکات کلیدی درس، توضیح در زمینه پاسخ و هدایت دانش آموزان از طریق خطاها، توجه به نیازهای دانش آموزان با مهربانی و گرمی و دادن بازخورد توجه می‌کنند، مشاهده می‌شود که دانش آموزان سطح بالاتری از مهارت‌های ریاضی، رفتارهای مناسب و برداشت مثبت از توانایی‌های علمی‌شان دارند، که تأثیر این رفتارها در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و بهبود پیامدهای یادگیری بیشتر از ویژگی‌های ساختاری (اندازه کلاس درس) است. معلمان باید محیط یادگیری را برای همکاری دانش آموزان با یکدیگر و همکاری معلمان و دانش آموزان فراهم کنند. برای این منظور آن‌ها می‌توانند از رفتارهایی چون خندان بودن، ارتباط چشمی، بیان طنز در کلاس درس و تعامل با دانش آموزان بهره بگیرند. مطالعات ذکر شده با بهره گیری از رویکرد کمی کنش‌های روانشناسانه و کنش‌های اخلاقی در زمینه تعامل معلم و دانش آموز را بررسی کرده‌اند.



نتیجه گیری

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد، اعتماد مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت می‌بخشد، در فضای مبتنی بر اعتماد ابزارهایی چون زور و اجبار برای تضمین داد و ستدها، کارایی خود را از دست می‌دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخته او اعتماد به درستکاری افزایش می‌یابد، اعتماد کار بازار را رونق می‌بخشد، اعتماد همچنین زمینه ساز جامعه مدنی است که ویژگی اساسی آن پیوستن داوطلبانه افراد به اتحادیه‌ها، اصناف، احزاب و انجمن‌ها است، اعتماد تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌ها افزایش می‌دهد و از این طریق شبکه‌ای پررونق و با نشاط از تجمع‌های داوطلبانه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند که از طریق آن‌ها مردم امور خود را اداره می‌کنند، اعتماد رضایت را جانشین اجبار می‌سازد و این یکی از اهداف مهم است که نخبگان و اداره کنندگان جامعه درصدد دست یابی به آن هستند. ارتباط مناسب در محیط مدرسه بین معلمان و دانش آموزان نقش مهمی دارد که می‌تواند اعتماد مناسبی بین آنها ایجاد کند، نحوه ارتباط معلمان با دانش آموزان از اهمیت زیادی برخوردار است به گونه‌ای که باعث ایجاد اعتماد بین این دو شده و می‌تواند انگیزه بیشتری برای یادگیری در بین دانش آموزان بوجود بیاورد. مدرسه یکی از مهم‌ترین کانون‌های جامعه پذیری است که هدف اصلی آن انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به دانش آموزان و همراه کردن آنان با ارزش‌های جامعه است. یکی از عواملی که زمینه انتقال بهتر ارزش‌ها و هنجارها را فراهم می‌کند، اعتماد میان دانش آموزان و معلمان است. اگر معلمی بخواهد در دانش آموزان نفوذ و تأثیرگذاری داشته باشد باید بتواند اعتماد آنان را جلب کند و در راه رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده آنان را راهنمایی کند و در کنار روابط رسمی و مقررات صوری، محیط مساعدی را برای یادگیری و همفکری و همکاری دانش آموزان فراهم آورد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع و ماخذ

۱. امینی، محمد. (۱۳۷۷). افزایش اثربخشی معلمان در فرآیند تدریس مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، چاپ سوم.
۲. امامی‌پور، سوزان و سیف، علی اکبر (۱۳۸۲). بررسی تحول سبک‌های تفکر در دانش‌آموزان و دانشجویان و رابطه آن‌ها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی.
۳. براهنی، اشرف (۱۳۹۰). رفتار با نوجوانان، انتشارات نقش و نگار، تهران، چاپ دوم.
۴. بهادری خسروشاهی، جعفر و حبیبی کلیبر، رامین (۱۳۹۶). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر انگیزش تحصیلی و سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه، نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی، سال دهم.
۵. تلخ‌آبی، علی شاه و عباسی، رسول و لشگری پور، کبری، (۱۳۸۹). بررسی مهارت‌های ارتباطی در رفتار کلاسی معلمان و رابطه آن با درصد قبولی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران، نوآوری‌های مدیریت آموزشی، دوره پنجم.